



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۶/۰۱



حامد ابراهیمی

شعری از خلیلی بزرگ

ادبیات

تلمیح در دیوان اشعار خلیل الله خلیلی



[hamedfalah's Official](#)

ادبیات فارسی، تلمیح در دیوان خلیل الله خلیلی، زندگی استاد خلیل الله خلیلی، شعری از خلیلی

قسمت ششم

مقدمه

به داغ نامرادی سوختم، ای اشک! طوفانی
به تنگ آمد دلم زین زندگی، ای مرگ جولانی

آن شراره عشقی که برق آن هزاران خورشید تابان را در این بحر بیکران افروخته و چراغ های ماه و انجم را در شبستان آسمان ادبیات روشن ساخته و آن شعله آسمان که صد هزاران خرمن گردون و قافله ادبیات را مجذوب خود ساخته و ادبا را در فضای بی انتهای عالم حیران و سرگردان می گرداند، دل های همه را در عین حیرت چنگ می زند، و به منزل مقصود رهنمایی میکند. و آن اشراق لاهوتی که سینه های خاصان را روشن تر از ماه گردانید که برق جهان سوز آن از کدام افق طلوع کرده است و چیست؟

او همان فرزند دوران پرتلهاب و پرحادثه، بزرگ مردی از شرق به نام استاد خلیلی است. این شاعر بزرگ فراهی را در دوران زندگی هشتاد ساله خود تجربه نمود که باعث رشد افکار و ماندگار شدن وی شده است. استاد خلیلی شاعری به انزوا خزیده و دور از سیاست و اجتماع نبود، و همیشه فردی بود در درون جامعه و مسلط بر اوضاع عصر و زمان خود. ایشان شاعری بوده است که به ادبیات جهان آشنایی کامل داشته است. (۴، ص ۲۵۲)

حضرت عیسی (ع)

روح القدس به گوش تو خواند سرود عشق کاین حرفِ روح بخش طرب را نگاشتی

(۴، ص ۳۰۵)

توضیح:

در این بیت اشاره به داستان حضرت عیسی علیه السلام است. عیسی (ع) پیامبری بوده است که خداوند برایش معجزه ای عطا نموده بود که می توانست کور مادر زاد را شفا و مردگان را زنده نماید و به کسانی که مرض پیس داشتند شفا دهد.

شرح داستان:

عیسی بن مریم از جمله پیغمبران اوالوالعزم خداوند (ج) است که در سال (۶۳۲) قبل از میلاد یا قبل از هجرت پیغمبر اسلام در فلسطین متولد شد که سال تولد او مبداء تاریخ میلادی است. و این پیامبر از سن (۳۰) سالگی به پیامبری مبعوث شد و تا (۳۳) سالگی که در این سن به وسیله کفار عصر خویش به قتل رسید. و اکثریت به این عقیده هستند که ایشان به قتل نرسید است. (۳، ص ۳۴۱).

یکی از معجزات ایشان این بود که از گل پرند می ساخت و در آن روح می دمید، وقتی برایش می گفت: به اذن خداوند زنده شو، این پرند زنده می شد. همچنان کور مادر زاد و مرض پیس را شفا میداد. و به عده ای یا اتفاق نظر اکثر علما این بوده است که ایشان در آسمان چهارم اند.

استاد خلیلی علاوه بر بیت فوق، ابیات دیگری هم ذکر نموده است که در زیر بیان می شود.

بسم دل را به درمانگاه رحمت می برم

تا میسح القلب سازد از کرم درمان من

(۴، ص ۱۹۳)

از ازل با خارهای کشورم دل آشناست

کی مسیحش میتوان کردن به صدسوزن بیرون

(۴، ص ۲۹۸)

ماه و زمین و سجده اخلاص و فرش خاک

عیسی و آسمان و غم خر سواری اش

(۴، ص ۱۴۹)

تا دمد روح نوا اندر تن افسرده شوق
راستی درد مش اعجاز مسیحایی بود
(۴، ص ۴۴۰)

همخانه مسیحی و والاتر از سپهر
ای کرده جا به کشور پیغمبر، آفتاب!
(۴، ص ۹۹)

خود اگر بست لب از نطق، نمیرد اثرش
هرکه را در نفس اعجاز مسیحا باشد
(۴، ص ۲۶۵)

جای انفس دل انگیز حیات
از مسیحا سرزدن بانگ ممات
(۴، ص ۷۲۰)

الا ای مونس قلب پریشان
مسیح خاطر امید واران
(۴، ص ۵۴۵)

او فقط در نبرد دنیای خود است
هم مریض وهم مسیحای خود است
(۴، ص ۷۴۵)

مسیحا وار دردم را دوا کرد
علاج محنت این بینوا کرد
(۴، ص ۱۷۴)

گر مسیحا چشم ظاهر کرد بینا، فیض تو
می کند بینا به معجز، دیده پنهان من
(۴، ص ۱۹۳)

بادی ز دور آمد و بر لاله های خشک

روح نشاط، با نفس عیسوی دمید

(۴، ص ۴۴۴)

حدیث دلکش تو در فضای آن محفل

مسیح وار به دل‌های مرده جان میداد

(۴، ص ۱۱۲)

من به فیض زندگی بخش دل انگیز سخن

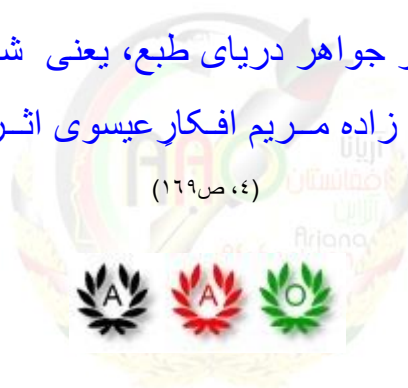
عیسی جان بخش را نایب مناب آورده ام

(۴، ص ۱۶۴)

دگر جواهر دریای طبع، یعنی شعر

که زاده مریم افکار عیسوی اثرم

(۴، ص ۱۶۹)



پایان قسمت ششم
ادامه دارد